همشهری سلام
یک شنبه ۲۶ شهریور ۱۳۹۶ . ۲۶ ذی الحجه ۱۴۳۸ . شماره ۱۹۶۳۶
ZENDEGI-SALAM
ضمیمه هر روز نامه خراسان

دنیا به روایت تصویر

رونمایی از ابزار پیشرفته پرواز انسان در نمایشگاه بین المللی سوئیس، عکس از خبرگزاری فرانسه

برنده پرورش غول پیکرترین کلم جهان با وزن ۲۵/۴ کیلوگرم در اوکراین، عکس از رویترز

هنرنمایی یک افسر پلیس با سگ آموزش دیده اش در سریلانکا، عکس از تلگراف

در محضر بزرگان

سخن حق را از همه بپذیریم

استاد فاطمی نیا درباره داشتن دقت ویژه در پذیرفتن سخن حق از دیگران می فرمایند:
«یکی از اصحاب امام صادق (ع) با زندیقی (کافر) بحث کرد و او را مغلوب ساخت. پس از اتمام مناظره از حضرت پرسید، که چطور با او بحث کردم؟ حضرت فرمودند: «خوب بحث کردی اما گاهی حق هایی را از او ضایع کردی». باید دقت کنیم که حتی زندیق هم ممکن است حق هایی داشته باشد که باید رعایت شود ولی متاسفانه ما این مسائل مهم را درجامعه و خانواده رعایت نمی کنیم. حتی با همسرمان هم بلد نیستیم چطور رفتار کنیم. اگر دیدیم جایی حق با اوست به جای لجاجت، قبول کنیم. باید از مکتب امام صادق (ع) یاد بگیریم و عمل کنیم.

پایگاه رسمی استاد فاطمی نیا

پند نیکان

به مناسبت سالروز تولد «بهاءالدین محمد بن حسین عاملی» معروف به «شیخ بهائی» دانشمند نامدار قرن دهم و یازدهم هجری باید بدانیم که او در دانش های فلسفه، منطق و ریاضیات تبحر داشت. در حدود ۹۵ کتاب و رساله از او در سیاست، حدیث، ریاضی، اخلاق، نجوم، عرفان، فقه، مهندسی و هنر بر جای مانده است. علاوه بر این ها «شیخ بهائی»، اشعار زیادی به زبان های عربی و فارسی سروده است که بیشترشان مضامین عرفانی و اخلاقی دارد. جالب است بدانید که «یونسکو» به پاس بزرگداشت این دانشمند اصفهانی با نام گذاری سال ۲۰۰۹ به اسم «شیخ بهائی» موافقت کرد و به این ترتیب همزمان با چهارصدمین سال رحلت شیخ بهائی، یاد او زنده شد. در ادامه گزیده ای از اشعار او را بخوانید:
*گر نبود مشربه از زر ناب / با دو کف دست، توان خورد آب
*آن چه ندارد عوض، ای هوشیار / عمر عزیز است، غنیمت شمار
*آن که در طاعت، دلش افسرده است / گر به ظاهر زنده، باطن مرده است
*تا کی ز علایق جسمانی / در چاه طبیعت تن مانی؟
*تا نسازی بر خود آسایش حرام / کی توانی ز ره به راه عشق، گام؟
*جمله سعیت، بهر دنیای دنی است / بهر عقبی، می ندانی، سعی چیست
*سینه گر خالی ز معشوقی بود / سینه نبود، کهنه صندوقی بود

بریده کتاب

عشقم، برو عقل یاد بگیر!

پرسید: «آیا فی الواقع مرا دوست داری؟ چه چیز من، جلب توجه تو را کرده است؟»
گفتم: «سر تا پای وجود تو، کمال جسمانی تو، من زیبایی تو را می پرستم و این متاسفانه تنها چیزی است که با افزایش سن زوال خواهد یافت. برو عقل یاد بگیر که روز به روز بر مقدارش افزوده می شود.»

برگرفته از کتاب «شوهر آهو خانم» اثر «علی محمد افغانی»

انگلیش آموزی

نویسنده: میترا تاتاری، تصویرساز: سعید مرادی

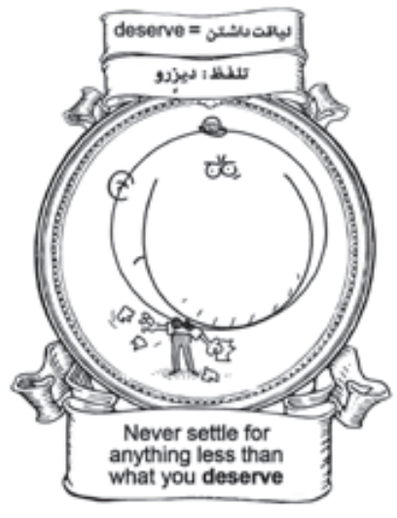

هیچ وقت با چیزی که کمتر از لیاقتته نساز

اندکی صبر

برگ های زرد!

تا تو نقاش
دل تنگ منی
دقت کن
برگ ها را نکنی زرد
دلم می گیرد

نجمه زارع

دور دنیا

مرد تایلندی با ۱۲۰ همسر!

آدیتی سنترال/ «تامبون پراستر» مرد ۵۸ ساله ثروتمند تایلندی که رئیس یکی از شهر های کوچک تایلند است و یکی از بزرگ ترین شرکت های ساختمانی در این کشور را دارد، به تازگی اعتراف کرد که ۱۲۰ همسر در نقاط مختلف کشور دارد!
تمام زنان او با وجود غیر قانونی بودن چند همسری در تایلند، از وجود همسران دیگرش مطلع هستند. این مرد تایلندی ۲۸ فرزند دختر و پسر از همسرانش دارد!

رکورد بلندترین مژه های دنیا!

آدیتی سنترال/ «ژانشیا» زن میان سال چینی با مژه های اسرار آمیزش رکورد عجیبی را در گینس ثبت کرد. مژه های میانی او بین ۸ تا ۱۲ میلی متر طول دارد اما مژه های لبه های پلک هایش به ۱۲ سانتی متر و ۴ میلی متر می رسد!
یعنی مژه هایش، روی دهانش می افتد! این زن ۴۹ ساله هیچ وقت مژه هایش را کوتاه نکرده است چراکه رشد عجیب و غریب آن ها برایش جالب بوده است. او با اختلاف زیادی، رکورد این عنوان را در گینس جابه جا کرد!

ساده ترین اما خلاقانه ترین کارت ویزیت!

بورد پاندا/ «دوروتا پانکوسکا» هنرمند ۲۶ ساله کانادایی، عاشق ایده های جدید و بدیع است و همیشه خودش را برای مبارزه با چیزهایی که قبلا انجام شده به چالش می کشد. یکی از سرگرمی های مورد علاقه او این است که کارت های ویزیت خلاقانه بسازد.
این کارت ویزیت کاملا خالی و سفید است. پس مردم چطور اطلاعات آن را ببینند؟ استفاده از نور روش جالبی است که می توانید اطلاعات این کارت ویزیت را مشاهده کنید، به خصوص این که این روزها همه گوشی ها مجهز به چراغ قوه هستند!

لانه‌سازی زنبور در میان آتش فشان فعال!

ورد پرس/ لانه سازی زنبوری در میان مواد مذاب آتش فشانی این روزها باعث حیرت و تعجب همگان به خصوص زیست شناسان نیکاراگوئه ای شده است. در شهر «ماناگوآ» آتش فشان «ماسایا» قرار گرفته که با خروج دود از دهانه آن، مواد مذاب نیز به بیرون جریان می یابد و در نزدیکی آن حباب های بسیار داغی ایجاد می شود. وقتی این مواد مذاب از دهانه آتش فشان خارج می شود، هر گونه نشانه ای از حیات را از بین می برد. دانشمندان در حال تحقیق درباره این زنبور و لانه اش هستند!

مسابقه چی شده؟

پاندای خنده کار!

سلام. چی شده که این جوری داره می خنده؟! ازتون می خواهیم همین الان دست به گوشی شوید و بنویسید این پاندا ممکن است به چه دلایل طنز و باحالی، این جوری شده باشد و چنین خوشحالی از خودش نشان بدهد. ممکن است او به یک تصویر، خبر، اتفاق، جوک یا ... خندیده باشد، نظر شما چیست؟ تا ساعت ۲۴ امشب (یک شنبه) فرصت دارید که یک شرح حال طنز بنویسید. لطفا در ابتدای هر پیامک، نام ستون «چی شده؟» و در آخر هم نام و نام خانوادگی تون رو حتما بنویسید. بنابراین یک پیامک ارسالی باید این جوری باشه: «چی شده؟ وقتی که ... (نام و نام خانوادگی)». طنزترین، باحال ترین، خنده دارترین و خلاقانه ترین جمله های ارسال شده، روز سه شنبه به اسم خود نویسنده ها چاپ می شه. شماره پیامک ۲۰۰۰۹۹۹ و تلگرام ۰۹۲۱۵۲۰۳۹۱۵ هم آماده دریافت پیامک های شماست.

خودمونی

ما درون را بنگریم و حال را

چرا ساکتی؟ چیزی شده؟ از من دلخوری؟ این جا راحت نیستی؟ دیروز تو مهمونی نبودی، اتفاقی افتاده بود؟ این سوالات و هزارتا سوال دیگر مانند این ها، سهمیه روزانه من و آدم های مثل من است؛ ما هر روز غیر از سلام و احوال پرسی های روزمره و گفت وگوهای معمولی، باید درباره این که حالمان خوب است و مشکل خاصی پیش نیامده هم برای دیگران توضیح بدهیم. من و آدم های مثل من می دانیم که آدم های خوش مشرب و اهل بگو بخند و سرزنده، آدم هایی دوست داشتنی هستند؛ می دانیم که حضورشان توی جمع های دوستانه و فامیلی، چه قدر غنیمت و حال خوب کن است؛ می دانیم طبیعی است که خیلی ها عاشق مهمانی گرفتن و دور هم جمع شدن باشند اما هیچ کدام از این ها برایمان لذت بخش نیست. ما با کسی دشمنی نداریم، خودمان را متعلق به گروه و طبقه ای بالاتر و آگاه تر نمی دانیم، ما فقط خلوت و تنهایی را دوست داریم و منبع انرژی مان، سکوت و به فکر فرورفتن است. ما می توانیم ساعت ها لای ورق های یک کتاب زندگی کنیم یا با نت های یک موسیقی به خلسه برویم. ما جمع های کوچک را به دورهمی های بزرگ ترجیح می دهیم، ما بعد از یک مهمانی شلوغ، حتما به یکی دو ساعت سکوت آرام بخش نیاز داریم تا بتوانیم به روال عادی زندگی مان برگردیم. ما نه از آدم ها بدمان می آید، نه مغرور و افاده ای هستیم، فقط سبک زندگی و علایق مان کمی با شما متفاوت است. شما اگر درجمع بودن و شلوغی و هیجان، از هر دری حرف زدن و با آدم های مختلف ارتباط برقرار کردن را دوست دارید، اسم تان می شود آدم های «برون گرا» و ما اگر شبیه شما نیستیم اسم مان می شود «درون گرا»، نه مغرور و آدم گریز! لطفا ما را همین طوری که هستیم بپذیرید؛ نگران ما نشوید، دنبال تغییردادن مان نباشید و به فکر دوا و درمانمان هم نیفتید!

الهه توانا

افسانه های نوین

سیلی شنی و سنگی

دو دوست قدیمی در حال عبور از بیابانی بودند که چشم شان به آفتاب پرستی افتاد که قاطی کرده بود و مدام رنگ عوض می کرد. هر لحظه یک رنگ می‌شد، زرد، سبز، قهوه‌ای، عنابی، صورتی خال خال، کالباسی سیر، پوست پیازی چرک، نوک مدادی راه راه و ... دو دوست محو تماشای آن جانور بودند تا به رنگ آبی و قرمز رسید و هر کدام تیم مورد علاقه‌اش را به صورت «ایس آبادی» تشویق کرد. (ایس آباد همان ایسلند کنونی در دوران باستان است. مترجم) هنگام تشویق بین دو دوست اختلاف افتاد و کار بالا گرفت و یکی از آن ها زارپ توی گوش دیگری زد. دوست دوم که از شدت زارپ و درد شوکه شده بود، بدون این که حرفی بزند روی شن‌های بیابان نوشت: «امروز بهترین دوستم سیلی محکمی به صورتم زد.» آن دو به راه خود ادامه دادند تا این که به دریاچه‌ای رسیدند. از عجایب روزگار قدیم هم این است که بعد از کمی پیاده‌روی در بیابان ناگهان به دریاچه می‌رسیدند. تصمیم گرفتند در آب کمی شنا کنند تا هم خنک شوند و هم خنک‌بازی پیش آمده را فراموش کنند. با حفظ موازینی که روی تابلوی کنار دریاچه حک شده بود، مشغول شنا شدند که ناگهان امواج بلندی به هوا خاست و همان دوستی که سیلی خورده بود نزدیک بود غرق شود. وی شروع به داد و فریاد کرد و دوست سیلی‌زننده نجاتش داد. دوست سیلی خورده که اکنون چند گالن آب هم خورده بود همان‌طور که اهن اهن سرفه می‌کرد، فوری قلم و تیشه‌اش را از بقچه درآورد و روی سنگ کنار آب به سختی حک کرد: «امروز بهترین دوستم مرا از مرگ حتمی نجات داد.» دوست ناجی وقتی این صحنه را دید با شگفتی افزود: «وقتی به تو سیلی زدم روی شن نوشتی و حال که تو را نجات دادم روی سنگ حک می کنی؟ آری؟ چرا؟ چون؟» وی منتظر بود تا دوستش بیفزاید که آزارها را روی شن بنویس تا با وزش نسیم بخشش از قلبت پاک شود، ولی خوبی‌ها را روی سنگ حک کن تا هیچ‌گاه محو نشود. ولی دوست سیلی‌خورده افزود: «زیرا در بیابان گرمم بود و حالش را نداشتم تیشه‌ام را از خرجین دربیاورم ولی الان غوطه خورده‌ام و سرحالم و حسش را دارم.» و آن دوست سیلی‌زن و نجات غریق خیت و خنک شد و به سزای اعمال ننگین اش رسید و سال های سال به خوبی و خوشی با یکدیگر در بیابان به قدم زدن و سیلی خوردن پرداختند!

علکساندر کاربراتور

چهل کلاغ

نویسنده: سید مصطفی صابری

ما و شما

شماره پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

* خانواده خوب، خانواده ای است که همه به هم احترام بذارن و همدیگه رو از ته قلب دوست داشته باشن.
* فتونکته دیروزتان بدآموزی داشت. فتونکته ای که در آن قطع کردن درخت باشد، فتونکته نیست بلکه فتونکبت است!
* کارت عروسی که شبیه گلدون بود، خیلی خاص بود. اصلا دیدنش حال آدم رو عوض می کرد چه برسه به گرفتن اش. آفرین به زوج های خلاق به فکر طبیعت.
* یک توصیه به صفحه باحال همشهری سلام داشتم. بیاین یک سوژه بدین، همه یک خط درباره اش بنویسیم و به بهترین جمله، یک جایزه معنوی بدین.
* ای بشر! از چه گمان کردی که دنیا مال توست / ور نه پنداری که هر ساعت، اجل دنبال توست / هر چه هستی مال گور، هر چه داری مال وارث / هر چه کردی مال توست.
* باورش سخته دقیقا و همیشه برای من اتفاق می افته! مسئولان پیگیری کنن تا این مشکل حل بشه!
* آق کمال؛ چه خوب است برای طرفدارانت یک کتاب با موضوع و سوژه خود با نام «کمال نامه» تالیف و چاپ کنی!
* کمیک با موضوع سرگرمی های بچه های قدیم و امروزی، خیلی جالب بود. کاش بچه های امروزی هم دنبال این بازی بودند.
* همشهری سلام، با توجه به حلول ماه محرم الحرام و آغاز سوگ و عزای حسینی چه خوب است در صفحه روزنامه برای مخاطبانت یک حسینیه و خیمه عزای حسینی تاسیس و دایر کنی.

سه نقطه